

تاریخ ارمنستان

جلد اول

دکتر ک.س. خداوردیان

پرفسور ک.خ. سارگسیان

پرفسور ت.خ. هاکوبیان

پرفسور آ.ک. آبراهامیان

آکادمیسین پرفسور س. ت. یرمیان

آکادمیسین پرفسور م.ک. نرسیسیان

ԵՐԵՎԱՆԻ ՊԵՏԱԿԱՆ ՀԱՄԱԼՍԱՐԱՆ

ՀԱՅ ԺՈՂՈՎՐԴԻ ՊԱՏՄՈՒԹՅՈՒՆ

ՀԱՏՈՐ I

Հնագրության Ժամանակներից մինչև 18-րդ դարի վերջը

Հատորը գրել են. պրոֆեսորներ Գ. Խ. Սարգսյանը
Թ. Խ. Հակոբյանը
Ա. Գ. Աբրահամյանը

Հայկ. ՍՍՀ ԳԱ ակադեմիկոս պրոֆ. Մ. Գ. Ներսիսյանը

Հայկ. ՍՍՀ ԳԱ ակադեմիկոս պրոֆ. Ս. Տ. Երեմյանը

և պատմ. գիտ. դոկտոր Կ. Ս. Խուդավերդյանը

ԽՄԽԳՐՈՒԹՅԱՄԲ

ՊՐՈՖ. Մ. Գ. ՆԵՐՍԻՍՅԱՆԻ

Թարգմանեց. Է. Գերմանիկ

ԹԵԶՐԱՆ 1981

۵۵۰ ریال

چاپ اول: شهریور ۱۳۶۰

چاپ دوم: آبان ۱۳۶۰

تاریخ ارمنستان

جلد اول

از دوران ماقبل تاریخ تا آخر سده هجدهم

پرفسور س.خ. سارگیان	آکادمیسین پرفسور س.ت. یرمیان
پرفسور ت.خ. هاگویان	آکادمیسین پرفسور م.ک. نرسیسیان
پرفسور آ.آ. آبراهامیان	دکتر ک.س. خداوردیان

ترجمه ۱. گرمایک

تهران ۱۳۶۰

حق چاپ محفوظ و متعلق به مترجم است

مقدمه مترجم

"قوم ارمن خود به تنهایی، همه رنجهایی که در طول تاریخ در گوشه و کنار جهان، اقوام دیگر تک تک دیده‌اند، یکجا دیده است، گزافه نیست اگر بگوئیم که قوم ارمن به اندازه تمام مردم جهان فریاد خشم سرداده، درعین اسارت با اسارت ستیز کرده است."

روشنفکر شماره ۷۸۷

سال‌ها مدیدی بود که فقدان کتابی جامع و کامل و مفید درباره تاریخ و فرهنگ ارمنه، بزبان فارسی احساس می‌شد. ما همیشه شاهد اظهار فضل افرادی کم همت بوده‌ایم که هیچ گامی در جهت ترجمه یا تالیف چنین اثری بزبان فارسی برنداشته‌اند. و اگر جزوات و یا کتب قلیلی نیز در این باب نوشته شده‌اند تمام آنها منافع گروه و حزب خاصی را تامین کرده‌اند و لذا از نظر علمی فاقد ارزش می‌باشند. ما همیشه با این سخنان دوستان پارسی‌گویمان مواجه بوده‌ایم که "باوجود اینکه ملت ارمن دارای گذشته درخشانی در تمام زمینه‌هاست ولی زعمای قوم شما برای شناساندن فرهنگ ارمنی گامی برنداشته‌اند."

می باشد. زیرا یکی از اهدافی که نویسندگان متن اصلی دنبال کرده اند آسانی و قابل درک بودن این کتاب است، لذا ما سعی کرده ایم تا این مطلب را حین ترجمه رعایت نمائیم.

کتاب حاضر نه تنها در زبان فارسی بلکه در ادب ارمنی نیز منحصر بفرد است زیرا چنین کتابی که شامل مدت زمان طولانی تاریخی از اعمار ماقبل تاریخ تا سال ۱۹۲۱ بوده و ضمناً در یک جلد نیز باشد، بجز این اثر تاکنون نوشته نشده است. نویسندگان این کتاب از استادان مسلم علم تاریخ محسوب می شوند. لذا این اثر گرانبها را با چنان زبردستی و فن عالی برشته تحریر درآورده اند که گوئی گنجاندن تاریخ چند هزار ساله یک ملت غنی از حیث فرهنگ و ادب و وقایع تاریخی، در یک مجلد امری محال و غیر ممکن آید. لیکن این امر صورت واقعیت بخود گرفته است.

ما ترجمه این کتاب را به یاد فراموش نشدنی و جاودانی میهنونها قتل عام شده ارمنی و خون پاک برادران و خواهران ما و بطور کلی تمامی قربانیان تاریخ نثار می کنیم و امیدواریم، آرامنه نیز روزی به حقوق حقه خود دست یابند و پهلوان طلعت پاشاها، انور پاشاها و کمال آتاتورکها از ماهیت شیطانی بت های خود آگاهی یافته و به جمع بشریت صلح دوست و انسان دوست برگردند و از غضب ستم دیدگان بهرأسند.

در خاتمه از کلیه دوستانی که در انجام این کار بس مشکل ما را مورد یاری مادی و معنوی قرار داده اند تشکر می کنیم و امیدواریم که نتیجه کوششهای مداوم ما رضایت خاطر آنها و نیز خلقهای گرامی ایران را جلب نماید.

* յ	h	zh	ژ	Շ	ch	ش
h	h	kh	خ	Չ	ch	چ
ծ	z	dz	ز	Զ	ts	تس
ջ	z	tz	ز	Տ	t	ت
ղ	gh	gh	غ	ՈՒ	ou	او

این کمبود بسیار آشکار همیشه باعث رنجش خاطر ما بوده است. خوشبختانه این افتخار نصیب ما گشت که به ترجمه کتابی پرمحتوا در مورد تاریخ و فرهنگ و بطور کلی حیات چندین هزار ساله ملت ارمنی مبادرت ورزیم. کتاب حاضر بعنوان اولین آزمایش در نوع خود امروز به حلیه طبع آراسته گردیده است. لذا احتمالاً دارای نقایصی نیز خواهد بود زیرا همچنانکه آمد، ترجمه چنین کتبی تقریباً بیسابقه بوده است. این کتاب در اصل تحت عنوان "تاریخ خلق ارمن" قرار دارد که ما بنا به مقتضیات خاصی، آنرا "تاریخ ارمنستان" ترجمه کرده ایم.

برای آسان نمودن تلفظ اسامی ارمنی برای خوانندگان فارسی زبان، ما آنها را با اصول و قوانین زبان فارسی منطبق کرده و در موارد ضروری لاتین آنها را در پاورقی آورده ایم. ولی برای اینکه خوانندگان ارمنی نیز (که مسلماً بخش قابل توجهی از خوانندگان این کتاب را تشکیل خواهند داد) بتوانند از تلفظ اصلی اسامی اطلاع یابند ما همان شکل ارمنی را در پاورقی ذکر کرده ایم که مسلماً تلفظ شکل فارسی آنها با استفاده از اسامی لاتین مقدور می باشد، مثلاً ما هوانس وردنسی را در پاورقی بصورت **Hovhannes Vorodnetsi** آورده ایم که از این شیوه نوشتن تلفظ اسامی برای همگان آسان می گردد و ضمناً خوانندگان ارمنی نیز با اشکال ارمنی نامها آشنایی می یابند. ما سعی کرده ایم اسامی شهرها و مکانها را در صورت اختلاف در دو زبان فارسی و ارمنی، هردوی آنها را بیاوریم تا شکل ارمنی آنها برای ارمنی زبانان نیز روشن باشد. از آنجائیکه در برخی موارد توضیح بیشتری لازم بود ما این توضیح را در پاورقی داده ایم لذا تمام زیر نویسهای کتاب به مترجم تعلق دارد. البته این توضیحات در موارد بسیار ضروری بوده و ما برای جلوگیری از اطاله کلام به این حد قانع شده ایم.*

چنانکه خوانندگان ارجمند خواهند دید، زبان ولحن نگارش بسیار ساده و واضح بوده و عاری از لغات و عبارات مشکل و غیر قابل درک برای عموم،

مقدمه ویراستار

درباره تاریخ ملت ارمنی در سه دهه اخیر کتابهای متعددی منتشر شده است. چه رساله‌های جداگانه و چه کتابهایی جامع انتشار یافته‌اند. قابل توجه است که از تاریخ هشت جلدی که توسط انستیتوی تاریخ وابسته به آکادمی علوم جمهوری شوروی سوسیالیستی ارمنستان منتشر می‌شود نام بهریم که در آن مفصلاً تاریخ چند قرنی ملتمان تشریح می‌گردد.

لیکن جامعه کتابخوان، نه تنها به تحقیقات علمی وسیع نیازمند است بلکه کتابهایی با حجم کم و قابل دسترس‌تر نیز احتیاج دارد. از مدتها قبل انتشار کتابی جامع، خلاصه، برمحتوا و در یک جلد در مورد تاریخ ملت ارمنی ضرورت یافته است. این‌گونه کتاب مورد لزوم برای کارگران، روستائیان، متفکران، دانشجویان انستیتوهای علمی و بطور کلی تمام آنهایی که مشتاق آشنایی با تاریخ ارمنستان هستند ولی فرصت کافی برای تعمق در مجلدهای مختلف را ندارند، می‌باشد. هدف مجلد حاضر ارضاء این احتیاج‌خوانندگان است.

دریای سیاه می‌ریزند. رودهای ارس و گسر به دریای خزر می‌ریزند و شعبات متعدد آنها از اینجا سرچشمه می‌گیرند. فوات (بطول ۲۷۰۰ کیلومتر، که ۵۰۰ کیلومتر آن در فلات ارمنستان قرار دارد) دو شاخه دارد، فوات غربی که از کوههای زاغکاود^{۱۴} در شمال شهر کارین آغاز می‌شود و فوات شرقی یا آرازانی، که از کوههای زاغکنس سرچشمه می‌گیرد. از شعبات آرازانی، مغرآغد قابل ذکر است، که در دشت حاصلخیز تارون جاری می‌باشد. رود دجله (با طول ۱۹۵۰ کیلومتر، که ۳۸۰ کیلومتر آن در فلات ارمنستان است) نیز دارای دو شاخه دجله شرقی و دجله غربی است، که اولی از جنوب غربی کوههای توروس ارمنی، اما دومی از دامنه‌های جنوب شرقی آنها سرچشمه می‌گیرند و در نزدیکی شهر سفرد^{۱۵} بهم می‌پیوندند.

رود ارس (در قدیم، یراسخ، ۹۱۴ کیلومتر) از دامنه‌های شمالی کوههای بیوراکن سرچشمه می‌گیرد و در جلگه باسن بطرف شرق متمایل می‌شود و از دره کاغزوان که در قدیم بنام یراسخا زور معروف بود جریان پیدا می‌کند. ارس از طرف چپ با پیوستن به رود آخوریان، در دشت آرازات جریان می‌یابد. از اینجا باز هم از طرف چپ رودهای کاساغ، هرازدان و آزاد و چند شاخه دیگر را در خود می‌پذیرد. شبکه وسیع رود ارس و شعباتش به باغهای انگور و میوه دشت آرازات زندگی و حیات می‌بخشد. ملت ارمنی این رود را ارس مادر نامیده است.

فلات با دریاچه‌های بزرگ و کوچک غنی می‌باشد. دریاچه سوان (در قدیم گغام) در بین دریاچه‌های کوهستانی یکی از بزرگترین و در میان دریاچه‌ها یکی از مرتفعترین آنهاست (با ارتفاع ۱۹۰۰ متر از سطح دریا و مساحت ۱۴۰۰ کیلومتر مربع). در حدود ۳۰ رود به دریاچه می‌ریزد، ولی

14- Dzaghkaved

15- Sgherd

از دریاچه فقط یک رود یعنی هرازدان (زانگون) سرچشمه می‌گیرد^{۱۶}. آب دریاچه شیرین می‌باشد. از ماهیهای آن ایشخان، قزل آلا، گفار گونی قابل ذکراند.

دریاچه وان (در قدیم - توسپ یا دریای بزنونی) از سطح دریا ۱۷۲۰ متر ارتفاع دارد. مساحت دریاچه ۳۷۳۳ کیلومتر مربع می‌باشد. آب دریاچه خیلی شور بوده و با ماهی تاریخ^{۱۷} خود معروف است. از قدیم الایام در اینجا ماهیگیری و استخراج نمک و شوره رواج داشته است.

دریاچه ارومیه (در قدیم - کاپوتان) بین فلاتهای ایران و ارمنستان قرار دارد.

به غیر از این سه دریاچه دریاچه‌های کوچک متعدد با آب شیرین وجود دارند من جمله: آرپی که رود آخوریان از آن سرچشمه می‌گیرد، آرجاک (در واسپوراکن)، گایلاتون (در گوکوویت) و غیره.

ساختمان زمین شناسی فلات و چندگانگی آب و هوا، باعث چندگانگی خاک و گیاهانش شده است. در کنار دشتهای حاصلخیز سنگلاخها، دامنه‌های بربجنگل و کوهها و چمنزارها قرار دارند. سرزمین میانه جنگل کم دارد. جنگلهای سوزنی برگ، بخصوص در جلگه‌های گوکارک، آغستو^{۱۸} و درسیونیک^{۱۹} واقعند به همین ترتیب در دامنه‌های جنوبی کوههای توروس ارمنی. قسمت کوهستانی از ارتفاع ۲۰۰۰ متری سطح دریا شروع می‌شود، این ناحیه از چراگاههای معروف فلات ارمنستان می‌باشد که دارای گیاهان فراوانی است. ساکنین جلگه‌های کوهستانی از قدیم به کشت و پرورش غلات، تاک،

۱۶- کانال آبی آرپی - سوان، به طول ۴۸ کیلومتر - که از سال ۱۹۶۵ شروع به احداث گردیده و هم اکنون مورد بهره‌برداری قرار گرفته است. - برای بالا بردن سطح آب دریاچه، آبهای رود آرپی را به دریاچه می‌ریزند. همچنین از سیستم باران مصنوعی برای این منظور استفاده شده است - م.

17- Tarekh

18- Aghstev

19- Syunik

وش، کنجد، همچنین زردآلو، هلو، گیلاس، سیب و میوه‌های دیگر اشتغال داشته‌اند. سرزمین کوهستانی درحقیقت میهن چندتا از آنها به حساب می‌آید. سرزمین کوهستانی ارمنستان از حیث حیوانات وحشی غنی می‌باشد. از پستانداران سمدار در اینجا گوزن، جیران، آهر، گوسفند وحشی و در نیزارهای جلگه رود ارس، گراز وجود دارند. از درندگان گرگ، روباه، خرس، کفتار و از پرندگان، عقاب، کرکس، مرغ لاشخور، باز، لک‌لک، کبک، اردک، هوبره، بلدرچین، قرقاول و غیره می‌باشد.

فلات دارای معادن غنی زیرزمینی است. کوههای چند استان از ایام قدیم با "معادن" مس، آهن، سرب، نقره و طلا معروف بوده‌اند. مخصوصاً معادن مس گوکارک و سیونیک شهرت داشته‌اند. مصالح ساختمانی کوهستانی از قدیم معروف بوده‌اند، از جمله رنگهای مختلف سنگ توف، بازالت، سنگ آهک و غیره. از نظر معادن نمک، کوغب، کاغزوان و نخجوان شهرت داشته‌اند. در سطح ارمنستان شوروی ذخایر هنگفتی از آهن، مس، مولیبدن، سرب، طلا، سنگ نمک، پرلیت، سینیت، مرمر، مواد آتشفشانی پیدا شده و در حوالی آنها کارخانه‌های مختلفی بنا گردیده‌اند. سرزمین کوهستانی از نظر آبهای معدنی شایخ‌نظیر "جرموکها" و "تتوجرر"^{۲۰} شهرت دارد. آرزنی و جرموک که از این حیث معروفند، در دوران حکومت شوروی تبدیل به بیمارستانها و آسایشگاههای مشهور شده‌اند.

فلات برای ارتباط با دنیای خارج دارای گذرگاههای کوهستانی بود که در قدیم به "درونک" (درها) معروف بوده‌اند. دوتا از جاده‌های مهم ارتباطی قدیم از فلات ارمنستان می‌گذشتند و شرق را به غرب مرتبط می‌ساختند. برای تصاحب اینها دولت‌های دور و نزدیک جنگهای سختی نموده‌اند، کسه ارمنستان صحنه این کشمکش‌ها بوده است. نقطه انتهائی این جاده‌های اصلی، دشت آرات بود. ارمنستان توسط راههای ساحلی دریای سیاه و دریای خزر

۲۰- به معنی آبهای ترش (اسیدی) - م.

با شمال ارتباط برقرار می‌نمود.

ارمنستان قدیم به ۱۵ استان بزرگ یا "سرزمین" تقسیم می‌شود. مهمترین اینها عبارتند از: آیرارات، واسپوراکان، سیونیک، آرتساخ، گوکارک، هایک علیا، توروبران، آغزنیک و سوفن^{۲۱}. هر استان یا "سرزمین" (بعضی مواقع، ناحیه)، در شرایط طبیعی اقتصادی نه تنها واحدهای مستقل اقتصادی را تشکیل می‌داد، بلکه رسوم، لهجه و طرز لباس مخصوص به خود را نیز داشت^{۲۲}.

۲۱- به ارمنی Tsopk - م.

۲۲- بقیه این استانها عبارتند از: تایک Tayk، پارسگاهایک Parskahayk، کرچک Kordjek، موک، پایتاکاران Paytaka-ran و اوتی Outi - م.

بخش اول

قرون باستان

فصل اول

اقوام - مردم و حکومت‌های قدیم فلات ارمنستان

۱- عصر حجر و عصر مفرغ در فلات ارمنستان

منشاء انسان در حدود یک میلیون سال قبل برآورد می‌شود. انسان از دوران انسان اولیه (انسان میمون‌نما) با فعالیت آرام ولی مداوم خودتدریجاً شکل امروزی خود را یافته است. ساختمان بدنی او تکامل یافته و دستها و پاهایش شکل گرفته‌اند، کف دستهایش بیشتر و بیشتر ظریفتر گشته و توانایی انجام کارهای ظریف را پیدا کرده است، زبان او پیشرفت نموده و بعنوان جمع بندی تمام اینها مغز او تکامل یافته است. همه اینها در یک دوره زمانی صورت پذیرفته‌اند، که به آن عصر حجر می‌گوئیم، زیرا ابزار اصلی کار او را سنگ تشکیل می‌داده است.

قسمت مهم عصر حجر یعنی فاصله زمانی صدهزار ساله را دوران دیرینه سنگی یا پالئولیت تشکیل می‌دهد. این نظریه که در دوران دیرینه سنگی فلات ارمنستان خالی از سکنه بوده است، با کشف آثار و ابزار مربوط به عصر

دوران منتج از عصر حجر (پارینه سنگی) یعنی عصر نو سنگی (نئولیت) در ارمنستان با یک سری مناطق مسکونی جلوه می‌کند که تاریخ آنها — دوران بین اواسط هزاره هفتم تا اواسط هزاره پنجم قبل از میلاد برمی‌گردد . هنر کاربرد سنگ به حد تکاملی خود رسیده است . ابزارها صیقل داده می‌شوند. تیرهای دسته‌دار سنگی امکان ساختن وسایل نقلیه نظیر ارابه و قایق را می‌دهند. کشاورزی و دامپروری که در دوران قبل شروع شده بود دوران ترقی خود را می‌گذرانند . مناطق مسکونی حرفه‌ای بوجود می‌آیند . اولین ظروف سفالی البته ، هنوز بطور زبر و زمخت ولی با پیشرفت آتی ساخته می‌شود . اقوام متشکل از طوایف به نوبه خود در واحدهای بی‌ثبات قومی جمع می‌شدند .

دوره بعدی یعنی دوره مس — سنگی (انئولیت) که در ارمنستان تاریخ آن بین اواسط هزاره پنجم تا هزاره چهارم قبل از میلاد می‌باشد (شامیر — امالتی ، تغود ، کول — تپه و مناطق دیگر) و با شکلهای اولیه کشاورزی و دامپروری به پایان می‌رسد و وسایل گوناگون برای استفاده از زمین و محصولات ساخته می‌شود ، بز اهلی و گوسفند ، خوک ، حیوانات بزرگ شاکدار (ایسن آخری‌ها بعنوان نیرویی برای کشیدن و حمل و نقل استفاده می‌گردند) پرورش داده می‌شوند ، کتان بافی از نخهای پشمی و علفی بوجود می‌آید ، سفالگری ترقی می‌کند . مهمترین پدیده این دوران استفاده از فلزات و ابتدا مس — که زود ذوب می‌شود و قابلیت چکش خوری دارد — به موازات کاربرد سنگ انجام می‌شود . بنابراین موقتاً شکل‌های ابزار سنگی چند برابر می‌شود .

از ویژگی‌های دوران انئولیت آغاز ارتباط وسیعتر بین مناطقی است . مخصوصاً جمعیت فلات ارمنستان شروع به تحت اثر قرار گرفتن از اجتماعات پیشرفته‌تر در سوریه شمالی و بین‌النهرین می‌کند که بصورت اشکال مشابه در ظروف سفالی متجلی می‌شود .

سپس ، هزاره سوم قبل از میلاد ، حداقل در اجتماعات پیشرفته آن زمان دوران تشکیل حکومت می‌باشد . حکومت مصر در جلگه نغوس و سومر و اكد ، در جلگه‌های دجله و فرات با کثابت و تمدن عالی خود بوجود می‌آیند .

تمدن اینها بطور وسیع در کشورهای همجوار من جمله فلات ارمنستان اثر می‌گذارد . در همین زمان در اینجا نظام قبیله‌ای حکمفرماست ، که دچار تحول می‌گردد ، یعنی نظام مادر سالاری جای خود را به نظام پدر سالاری می‌دهد که مطابق آن اولاد آنها به شمار شجره نامه پدری در می‌آیند و نه مادری . این پدیده و دگرگونی مربوط به رشد تولیدات مادی و در موازات آنها بیشتر شدن نقش مردها در کارهای اقتصادی — اجتماعی می‌باشد . در اواخر هزاره ، طبقه بندی دارایی‌ها ، جدا و مقتدر شدن بزرگان قوم بچشم می‌خورد .

هزاره‌های دوم و سوم قبل از میلاد در کوهستان ارمنستان دوران مفرغ می‌باشد که به سه مرحله قدیم (هزاره سوم) ، میانی (قرون ۲۴-۲۰) و نوپا پیشرفته (قرون ۱۳-۱۰) تقسیم می‌شود . در این دوران نیروهای تولیدی اجتماعات دارای روند ترقی بیشتری می‌شود . کشاورزی با گاو آهن انجام می‌گیرد ، بهره جویی از امکانات اولیه آبیاری خاکها که براساس آن باغداری پیشرفت می‌کند ، رواج می‌یابد . پرورش اسب و حیوانات دیگر در حیطة دام — پروری قرار می‌گیرند . حرفه‌ها تقسیم گردیده و تخصصی می‌شوند . تسام با سوابق قدیمی و غنی سنگ تراشی و سفالگری ، پیشرفتهای شایانی در فلزکاری انجام می‌شود . مفرغ یعنی آلیاژ مصنوعی مس و قلع ، ماده اصلی آن می‌گردد که بعنایت استحکام و برندگیش بیشتر استفاده می‌شود . ابزارها ، وسایل زندگی و زینت آلات برونزی متنوع‌تر می‌گردند و اسلحه‌سازی بعنوان حرفه ویژه‌ای رواج پیدا می‌کند . زرگری رونق می‌گیرد و زیور آلات طلائی ، نقره‌ای و سنگهای قیمتی عرضه می‌کند . کاربرد چوب و پوست ، پارچه بافی و حرفه‌های دیگر به سطح عالی می‌رسند .

بقایای تولیدات مربوط به دوران ، به وفور در مناطق کوهستان ارمنستان (شن گاویت ، کول — تپه و غیره) و قبرهای محتوی اشیاء فراوان (ترغک^۱ گیروواکان^۲ ، لچاشن) پیدا شده‌اند . این ابزار و نیز تصویرهای پیدا شده بر

1- Treghk

2- Girovakan

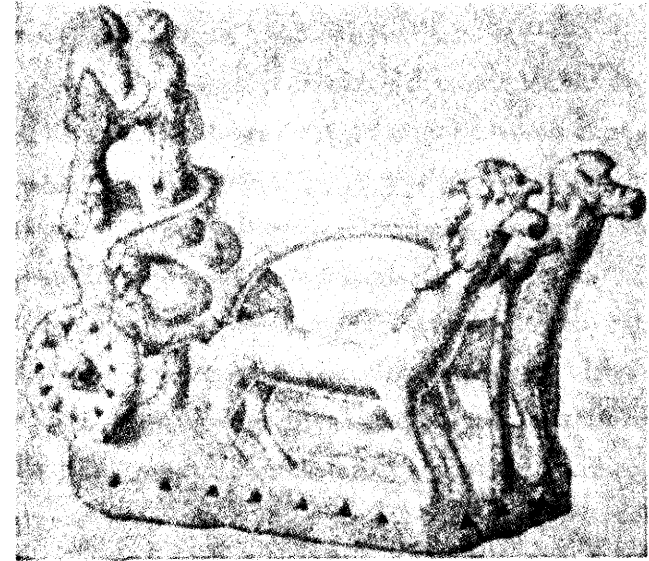
دیواره سنگهای کوههای ارمنستان ، نشانگر جریان پیشرفت اجتماعی ، مذهبی می‌باشد که تا انحطاط نظامهای اجتماعی قبل از تاریخ سیر می‌کند . بهترین زمینهای شخم ، گله‌های عظیم احشام و ثروت‌های دیگر در دست بزرگان قوم قرار دارد . در دوران میانی و جدید عصر مفرغ قبرهای نمایندگان این قشر و مخصوصاً " بزرگان قوم با شکوه و جلال بچشم می‌خور د و شامل اشیاء مختلف ، ارابه‌های مجلل و تزئین شده و سلاحها و تزئین آلات گرانبها و بعداسکلت‌های نوکرانشان که با اربابانشان دفن شده‌اند ، می‌باشد . اجتماع در جهت ایجاد طبقات سیر می‌نمود .

تجسمات ساده مذهبی در دوران قبل از تاریخ تبدیل به سیستم‌های پیچیده می‌شوند ، که در آن نیروهای طبیعت و پدیده‌های جوی ، اعتقادات نیاکان ، اعتقادات شکار و میوه‌کاری ، خدایان انسان گونه یا حیوان گونه را بوحود می‌آورند .

دژهای عظیم سنگی در این دوران رواج فراوانی پیدا می‌کنند و نشانگر برخورد‌های جنگی بین اقوام می‌باشند . این اوضاع هم موضع بزرگان قومهارا هرچه بیشتر مستحکم می‌کنند . دوران تشکیل حکومت فرا می‌رسد . در اواخر هزاره دوم قبل از میلاد استفاده از آهن شروع می‌شود که با خواص فوق‌العاده خود ، به پیشرفت نیروهای تولیدی شتاب جدید و محکمی داده به رونق و ترقی تمدن بشری منتج می‌گردد .

۲- اقوام و ملت‌های قدیمی فلات ارمنستان و کشورهای همسایه

چه اقوام و مللی در فلات ارمنستان اسکان گرفته‌اند؟ با چه زبانهائی صحبت نموده‌اند؟ در مورد دوران بسیار قدیم اطلاعات کمی در دسترس می‌باشد . یک سری خطوط کلی از فرهنگ مادی حکایت از روابط قومی ساکنین فلات در هزاره‌های ۴-۳ قبل از میلاد می‌نماید . این‌ها اقوام سوپاری یا



مدل ارابه جنگی برونزی (لچاشن ، سده‌های ۱۳-۱۴ ق م .)



نقش‌های روی تخته سنگها مربوط به دوران مفرغ قدیم (کوههای گفاما)

خورری^۳ هستند که گروهی از آنها در نیمه هزاره سوم بطرف سواحل دریای مدیترانه تا فلسطین مهاجرت نموده‌اند. باستانشناسان در بعضی مناطق، فرهنگ مخصوص فلات ارمنستان بخصوص ظروف سفالی مربوط به این دوره را کشف کرده‌اند.

به لطف اطلاعات محفوظ در منابع میخی، در هزاره دوم قبل از میلاد، تجسم فلات و اقوام و مردم حوالی آن نسبتاً مفصل و آسان‌تر می‌باشد. در قسمت جنوبی فلات اقوام هم نژاد خورری - اورارتو سکنی گزیده بودند. اقوام خورری در آلزی، پورولومزی و شوبریا که از گردش چپ فرات و در طول دجله و آرازانی بطرف کوه‌های ساسون کشیده شده‌اند، بسر می‌برند. لیکن اجتماع اصلی خورری‌ها در جنوب این مناطق، از دریای مدیترانه و سراسر بین‌النهرین شمالی بطرف آشور و بابل سکونت یافته بود. در اینجا یعنی بین‌النهرین شمالی، خورری‌ها در قرن ۱۶ ق. م، حکومت خود را تشکیل می‌دهند که بنام میتانی با پایتخت واشوگانه نامیده می‌شود. میتانی با حفظ آشور، جنوب فلات ارمنستان، سرزمینهای جلگه فرات علیا، در تحت تاثیر سیاسی و حکومتی‌اش، برای مدتی نقش حاکم را در منطقه آسیای مقدم بازی می‌کند. و روابط نزدیکی با حکومت‌های زمان خود یعنی بابل، مصر و خاتی (حکومت خت‌ها^۴) برقرار می‌کند.

خورری‌ها فرهنگ مادی و معنوی غنی داشته و براساس خط میخی اکدها کتابت خود را بوجود آورده‌اند. حکومت میتانی در قرن ۱۴ بسبب ضربات حکومت خت‌ها منقرض می‌شود و سرزمین آن تحت تسلط دولت تقویت شده آشور می‌افتد. لیکن خورری‌ها بعنوان یک ملت تا مدت‌های طولانی موجودیت خود را حفظ می‌نمودند و در کشورهای سوریه شمالی و شرق آسیای صغیر و نیز شوبریا نقش درجه یک داشتند.

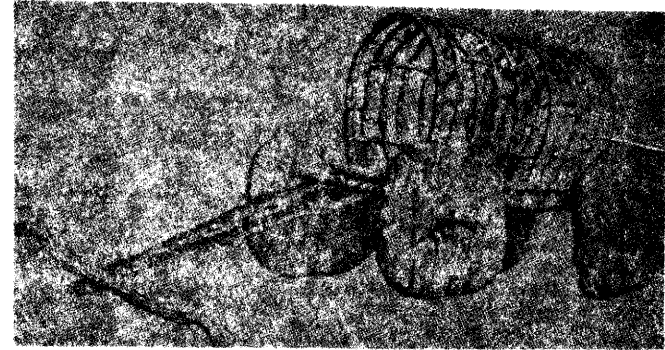
مناطق بین دریاچه وان و دریاچه ارومیه را اقوام اورارتو که هم نژاد با

خورری‌ها بودند زندگی می‌کردند. در قرن ۱۳ ق. م. در پهنه این مناطق اتحاد قومی اورارتی (اورواتری) متشکل از هشت قوم و سرزمینهای آنها وجود داشت. سالماناسار اول پادشاه آشور (۱۲۸۵-۱۲۶۱ ق. م.) به آنها حمله می‌کند و آنها را شکست داده و کشور را ویران و غارت می‌کند. بعد از آن اتحاد اورارتی منحل شده، و به جای آن نائیری، اتحاد قومی نیرومندتری، پا به صحنه می‌گذارد که خودش موضع تهاجمی در قبال آشور در پیش می‌گیرد. نائیری قسمت وسیعی از فلات ارمنستان را اشغال می‌نمود و بتدریج به طرف نواحی نزدیک دریای سیاه، جلگه چوروخ توسعه می‌یافت. پادشاهان مهاجم از ۳۵-۴۰ حتی ۶۰ پادشاه "نائیری، یعنی روسای قوم - که آنها را در جنگ شکست داده بودند - نام می‌برند. در قرن یازدهم اتحاد نائیری از بین رفته و دوباره اورارتی ظاهر می‌شود. قوم اخیر در قرن ۹ تبدیل به پادشاهی اورارتو می‌شود که نام نائیری را هم باخود حفظ کرده است. قسمت‌های مرزی غرب فلات ارمنستان یعنی مناطق مرکزی و شرقی آسیای صغیر، از هزاره‌های دوم و سوم با اقوام هند و اروپائی خت و هم‌نژاد آنها لووی^۵ دارای سکنه شده بودند. اینها از بالکان آمده و با ادغام آنها در خود با فرهنگ آنها در آمیخته بودند. حکومت خت‌ها زودتر و حداقل در قرن ۱۷ ق. م. تشکیل شده است تا حکومت خورری‌ها، و حکومت متشکلت و نیرومندی بوده تا اول قرن ۱۲ دوام داشت.

خت‌ها نیز فرهنگ غنی بوجود آورده، کتابت خود را براساس خط میخی اکدها داشتند. برده‌داری در نزد آنها بیشتر رواج داشت تا نزد خورری‌ها، البته بیشتر به خاطر تشکل قوی نظامی. ارتش نیرومند، تامین کننده اصلی اسرای جنگی بود. خت‌ها با اقوام فلات ارمنستان ارتباط داشتند و حتی در سپاه آنها جنگجویان مزدور از میان این اقوام وجود داشتند.

بطور کلی این دو حکومت که فلات ارمنستان را از طرف جنوب و غرب

محدود می‌کردند یعنی حکومت‌های میثانی و خاتی، بعضی مواقع سایر نقاط فلات را نیز تحت تسلط یا تاثیر خود قرار می‌دادند و اهمیت زیادی در ترقی اجتماعات آنها داشتند. جالب توجه است که در درون قبرهای روسای قوم (ترغک - لچاشن) مربوط به عصر مفرغ میانی و جدید، بوضوح تاشیر - سرزمین‌های مذکور از نظر طرز لباس، اسلحه و زیور آلات دیده می‌شود.



گاری - دوران مفرغ قدیم (لچاشن)

حکومت لووی‌های هم نژاد باختها، در قسمت جنوبی آسیای صغیر قرار داشت. لیکن گروه‌های بزرگی از جمعیت لووی‌ها در شرق، بین خاتی و فلات ارمنستان و نیز سرزمین‌های جلگه فرات یعنی، کوموخ، ملیدو، ایشوا، سوخمه و غیره بودند و اینها همراه خورری‌ها زندگی می‌کردند. اهالی لووی برای یکی از لهجه‌های زبان‌شان کتابت مشهور به "خت - هیروگلیف" را ابداع کرده بودند که بقایای اینها در سرزمین‌هایشان وجود دارد.

از خاتی بطرف شمال شرق و در نواحی رودهای گایل و چوروخ و در منطقه هایک علیای فلات ارمنستان، اتحاد قومی هایاسا (یا خایاسا) وجود داشت که اغلب همراه با آن قوم آزی - که از عناصر تشکیل دهنده قوم اول و یسا متحد نزدیک آن بوده است - یاد می‌شود. هایاسا جامعه‌ای بود در شرف تشکیل حکومت و شورای نحای آن نقش بزرگی داشته، گاهی از نظر فعالیت

مستقل بود. اشتغال اصلی ساکنین هایاسا - آزی، کشاورزی، باغداری و دامداری بود. از نظر تعلق قومی، اهالی هایاسا یا خورری بودند و یا هند و اروپایی‌های هم‌نژاد باختها و اهالی لووی. از مراکز هایاسا، کوماخان، آنی - کاماخ آینده در هایک علیا بر ما شناخته شده هستند.

در قرون ۱۴-۱۵ ق. م. خت‌ها چندین مرتبه با هایاسا - آزی درگیر شده بودند که اغلب اوقات موفقیت از آن قوم اخیر بود. در اوایل قرن ۱۴، در زمان کار انیس رهبر اتحاد قومی هایاسا - آزی، تودخالیاس پادشاه خاتی دو مرتبه به هایاسا حمله می‌کند و موفق به شکست آنها نمی‌شود. در اواسط قرن، وقتی که خوکاناس رهبر بود، خت‌ها بار دیگر به کشور حمله می‌کنند و جنگ سخت با انعقاد پیمان صلح تمام می‌شود. سوپیلولیماس پادشاه خاتی خواهرش را به همسری رهبر هایاسا درمی‌آورد و شخص اخیر مجبور می‌شود نسبت به خاتی وفادار بماند و کمک نظامی به آن بدهد و دیگر به فراری‌های ختی پناه ندهد، چیزی که قبلاً اغلب اتفاق می‌افتاد.

لیکن این قرارداد را رهبر جدید، آنیاس فرزند ماریاس نقض می‌نماید. او به خاتی حمله می‌کند و غنیمت بسیاری باخود می‌برد. جنگ چهار ساله با برتری هایاسا ادامه می‌یابد. پس از آن مورسیلیس دوم (۱۳۳۹-۱۳۵۶)، پادشاه خاتی یا سپاهش به هایاسا - آزی تجاوز کرده توکاما و آریپسان مراکز آن را متصرف می‌شود و ختی‌های اسیر را پس می‌گیرد. در قرن ۱۳ در منابع، از هایاسا - آزی دیگر یاد نمی‌شود.

از آغاز قرن ۱۳ ق. م. در منابع میخی، در جوار کشور هایاسا - آزی و در جلگه چوروخ و از اینجا به طرف جنوب شرق، از اتحاد قومی دایا (یادایا - آنی، به زبان اورارتو - دیواوخی) یاد می‌شود (بعداً در پهنه استان ارمنی تایک). این کشور ثروتمند چندین مرتبه مورد حمله حکومت‌های آشور و سپس اورارتو قرار گرفته است.

در اوایل قرن ۱۲ ق. م. گروهی اقوام ارمنی زبان هند و اروپایی از آسیای صغیر بطرف فلات ارمنستان در سرزمین‌های مسکونی خورری‌ها، خت‌ها و

لوی ساکن می‌شوند. اینها در منابع یونانی آرمن ولی در منابع میخی، اورومه و موکو نامیده شده‌اند.

غیر از حکومتها، اتحادیه‌های قومی و کشورهای مذکور، که در منابع هزاره دوم ق. م. و در منابع اورارتو و آشوری هزاره اول ق. م. از آنها یاد می‌شود، از اقوام سرزمین‌های متعدد دیگری هم نام برده می‌شود که قسمتی از آنها بایستی در هزاره دوم ق. م. وجود داشته باشند. از اینها، اتحاد قومی بزرگ اتیونی^۶ قابل ذکر است که از قارص تا دریاچه سوان را تحت اشغال داشت، و متشکل از اتحادیه‌های کوچکتر دیگر و نیز اقوام جداگانه بود. من جمله اقوام بزرگ لوشا، کاتارزا، و تیرو، آبلایانی (به ارمنی آغبیان‌ها) که در جنوب غرب سکونت داشتند، و نیز در حد فاصل دریاچه ارومیه و شرق گروه قومی مانا و غیره زندگی می‌کردند. وابستگی قومی اینها هنوز بوضوح مشخص نیست احتمالاً اینها به خورری‌ها نزدیک بوده‌اند.

۳- حکومت اورارتو

اولین قوم از اقوام و مللی که در قلب فلات ارمنستان سکونت داشتند، اهالی اورارتو بودند که تشکیل حکومت دادند. آنها می‌توانند با اتکاء به نیروی رزمی خود قلمرو خود را گسترش داده، حکومت سیصد ساله‌شان را بر قسمت اعظم فلات استوار ساخته و یکی از نیرومندترین دول دنیای قدیم کردند.

در کتیبه‌های آشور از تاریخ ۸۵۹ ق. م. از آرامه بعنوان اولین پادشاه اورارتو یاد شده است. در زمان او حکومت اورارتو شامل حوزه دریاچه وان و جلگه شمالی آرازانی در شمال غرب دریاچه می‌شد. پادشاه بعدی که برای ما شناخته شده است، ساردوری اول فرزند لوتی‌پری می‌باشد. در مورد بنای

6- Etiuni

حصارهای توشپا، پایتخت حکومت، او برای ما کتیبه‌های میخی به زبان آشوری بجای گذاشته است که سندهای مهم تاریخی ما در مورد حکومت اورارتو می‌باشند. ساردوری، در اینجا مانند پادشاهان آشور خود را "شاه بزرگ، شاه نیرومند، شاه جهان"، و بعد "شاهنشاه" نامیده است که در هر صورت نشانگر استقلال و نیروی فزاینده حکومت اورارتو می‌باشد. در این کتیبه‌های آشوری از اورارتو به نام سرزمین ناثیری یاد شده است. در ۸۳۳ و ۸۲۹ ق. م. ساردوری اول با سپاه آشور که به فرماندهی دایان-آشور، سپهبد سالماناسار سوم به کشور حمله نموده بود، می‌جنگد.

پس از ساردوری اول پسرش ایشپوئنی^۷ (تقریباً ۸۲۵-۸۱۰ ق. م.)، جانشین او می‌شود. اولین اسناد به زبان اورارتویی از همین دوران به ما رسیده‌اند.

از اینجا درمی‌یابیم که اورارتوئیها سرزمینشان را بیابیلی می‌نامیدند که از آن درآینده اسم وان مشتق شده است.

برای اولین مرتبه، از کتیبه‌های باقی مانده از دوران ایشپوئنی، در مورد عملیات حمله اورارتو بطرف شمال شرق و جنوب مطلع می‌شویم. این عملیات قوی‌ترین ضربه به منافع حکومت نیرومند وقت یعنی آشور بود.

به کوشش پادشاه مینوا^۸ (۷۸۶-۸۱۰) فرزند ایشپوئنی، اورارتو بصورت یک نیروی برتر در آسیای مقدم درمی‌آید. او عملیات سازندگی پادشاهان قبل از خود را ادامه داد و به آن شتاب بیشتری بخشید. دهها کتیبه از ساختمان قلعه‌های مستحکم چه در مرکز حکومت و چه در جاهای دیگر بخصوص در مناطق مرزی حکایت می‌نمایند که بعنوان پایگاههای رزمی استفاده می‌شدند. بنای استحکامات دفاعی توشپای پایتخت به پایان می‌رسد.

به ترویج کشاورزی و در درجه اول گسترش باغها و مزارع شتاب داده‌شد و به همین منظور کانالهای متعدد آبیاری ایجاد گردید. مخصوصاً از کانال

7- Ishpuini

8- Menua

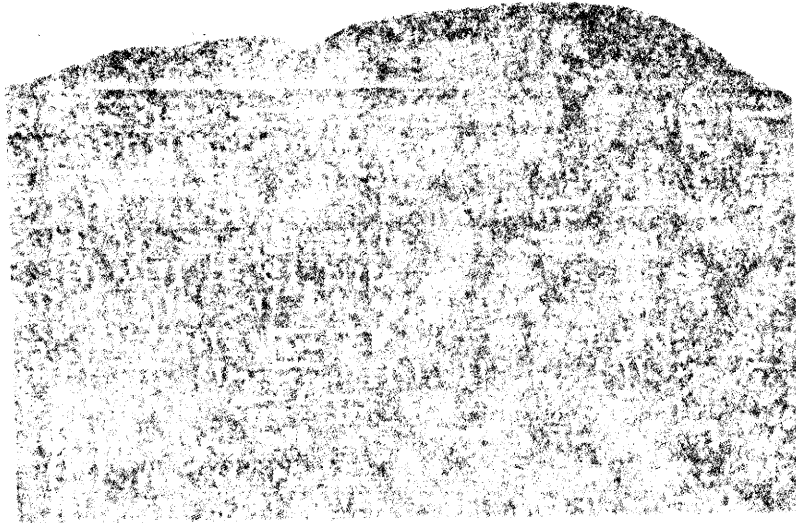
۷۰ کیلومتری احداث شده در زمان میوا در وان باید یاد کرد که تا زمان حاضر نیز وجود دارد، و روی دیوارهای کانال کتیبه‌های پادشاه حفظ شده‌اند. در روایت‌های ارمنی این کانال به نام "نهر شامیرام" معروف است و نیز در همین روایتها بنای توشیا (وان) را بطور کلی به ملکه نیمه افسانه‌ای شامیرام نسبت می‌دهند. میوا فتوحات پدرش را تحکیم می‌بخشد و در سرزمینهای مانا و موساسیر مستقر می‌شود و از آنجا به طرف جنوب حرکت نموده بسسه سرزمین اصلی آشور وارد می‌شود. مخصوصاً حرکت رزمی اورارتو بطرف غرب، به سمت سرزمینهای حلگه فرات علماً تشدید می‌یابد. در این نواحی اورارتو-شپها در حین حرکت بطرف کشور اورمه یا آرمه (شور یا در منابع آشوری) که در غرب دریاچه وان (اینجا میوا از فتح شهر کولمر یاد می‌کند) واقع بود با اقوام ارمنی زبان در ستیز و جنگ قرار می‌گیرد.

حرکت اورارتو در زمان میوا بطرف شمال، تا حریان میایی ارس می‌رسد. جایی که در دامنه شمالی آزارات و در ده فعلی داشورون، او شهری بنا می‌نهد و آن را میوا خنیللی می‌نامد.

آرگیشتی اول (۷۸۶-۷۶۰ ق. م.) فرزند میوا از ارس می‌گذرد و دشت آزارات را بکلی متصرف شده دو شهر بزرگ بنا می‌نهد. در پنجمین سال پادشاهی خود در ۷۸۲ شهر اربونی^۱ را می‌سازد. چنانکه خودش راجع به آن در کتیبه‌ها اظهار داشته است "برای سعادت سرزمینهای بیابنلی و برای واژگون نمودن سرزمینهای دشمن" پایگاه مستحکم جنگی را می‌سازد. ۶۶۰۰ نفر جنگجویی را که آرگیشتی در حمله سال ۷۸۲ خود، بطرف حلگه فرات علماً در سرزمینهای خانه و سوپا اسیر کرده و در شهر اربونی اسکان داده بود، احتمالاً از اقوام ارمنی زبان بوده‌اند. اربونی، ابروان امروزی است. در سال ۷۷۵ آرگیشتی در مرکز دشت آزارات، شهر آرگیشتی خنیللی را بنا گذاشت و آن را مرکز اداری نواحی شمالی اورارتو و زیارتگاه بزرگی قرار داد. آرگیشتی-

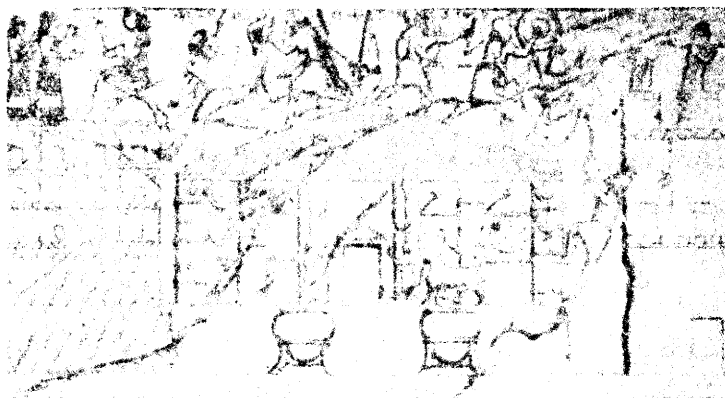
9- Erebuni

خنیللی بعدها گسترش یافته به آرماویر پایتخت ارمنستان قدیم تبدیل شد. آرگیشتی عملیات جنگی خود را از دشت آزارات بطرف شما در دو مسیر گسترش داد. در یک مسیر او از اربونی و در طول رود هرازدان (سه زبان اورارتو - ایلدارونیا) بسمت سوان حرکت می‌نماید. و اما در مسیر دیگر، با حرکت در طول رود آخوریان سرزمینهای ارباخی و دیباوخی را متصرف می‌گردد. آرگیشتی در غرب، سرزمین خاتی یا پایتخت ملیتیا را مطیع می‌سازد و با عزیمت به سوی جنوب، چندین هزار نفر را در سوریه شمالی به اسارت می‌گیرد. برخوردهای اجتناب ناپذیری در نواحی نزدیک اورمه با آشور بوقوع می‌پیوندد. پادشاهان آشور، سالماناسار چهارم و جانشین او آشوردان سوم جلوی پیشروی اورارتو را نمی‌توانند بگیرند.



سنگ نوشته پادشاه آرگیشتی اول در تارخه بنای اربونی

در دوران حکومت آرگیشتی اول، نظام اقتصادی - اجتماعی برده‌داری و ساختمان سیاسی آن به شیوه شرقی قدیم بوجود آمده بود. قدرت حکومتی پادشاه بدون حد و حصر بود. کشور به چندین استان تقسیم می‌شد. کسه استانداران قدرت زیاد داشته و اغلب برای حکومت مرکزی ایجاد حط-



معبد خالدی در موساسیر

(از کنده‌کاری‌های قسمت فوقانی قصر سارگون)



توپراق - کاله^{۱۵} پایتختی جدید بنا می‌کند و آن را روسا خینیلی می‌نامد ، در نزدیکی سوان ، در سرزمین ولیکوخی ، دژ محکمی می‌سازد و آن را به نام حدای بزرگ اورارتو ، خالدی نامگذاری می‌کند ، سپس با پیشروی در طول ساحل جنوبی ، او همچنین یک دژ بنا می‌کند و به آن نام خدای تیشبا^{۱۶} را می‌دهد . در کنیه‌ای که در اینجا از او باقی مانده است ، پادشاه راجع به فتح سرزمین‌های متعدد صحبت می‌کند که قسمتی از آنها در حدفاصل شرقی سوان قرار دارد . بعلاوه سرحدات غرب و جنوب کشور نیز استوار و امن می‌شود . سارگن دوم (۷۰۵-۷۲۲ ق . م .) حاکم جدید آشور ، این جریان‌ها را از دور تحت نظر داشت . او برای حمله به اورارتو سال ۷۱۴ ق . م . را فرصت مناسبی شمرد . اطلاعات مفصلی درباره این جنگ به ما رسیده است که البته کاملاً یک جانبه بوده و بطرزی غرور آمیز تشریح شده است . سارگن بانبروهای روسا می‌جنگد و شکست کاملی به او وارد می‌سازد . سپس اقدام به ویران و غارت نمودن بی‌مضایقه کشور از طریق مرزهای مرکزی نموده ، مناطق مسکونی و باغها را نابود می‌سازد ، ولی از حمله به پایتخت اجتناب می‌ورزد . او در راه

تیره نمی‌شود و برخورداردی بیش نمی‌آید. فرستادن سفیر دوستی توسط روسای دوم در سال ۶۵۴ ق. م. به نزد آشور بانی پال، پادشاه آشور، حکایت از مناسبات دوستانه آنها دارد. نزدیکی اورارتو و آشور در حضور دشمنان نیرومند منطقه انجام می‌شد. آنها کیمریان بودند که از شمال قفقاز هجوم آورده بودند. کیمرها در اواخر قرن ۸ ق. م. در آسیای مقدم ظاهر شده ظریبات مهلکی به اورارتو وارد ساختند. لیکن اورارتو، به قیمت جان بسیاری از سپاهیان خود توانست پیشروی آنها را متوقف سازد و آنها را بطرف غرب یعنی آسیای صغیر منحرف سازد. کیمرها از اینجا حملاتی به آشور می‌نمودند، تا اینکه آسارخادون (۶۶۹-۶۸۵ ق. م.) پادشاه آشور حمله مخصوصی را تدارک دید و آنها را شکست داد. ضربه آخر به کیمرها را اسکیتها که در قرن هفتم پیش از میلاد از شمال رخنه کرده بودند - وارد نمودند.

روسای دوم (۶۴۵-۶۸۵ ق. م.) آخرین پادشاه دوران قدرت اورارتو بود. او با کارهای عمرانی خود در نواحی وان و ماکو و نیز اراضی ماوراء ارس (سرزمین آزا) شهرت دارد. او در اینجا شهر تیشبائینی^{۱۷} (کارمیربلور^{۱۸})، بنا نموده است، که بصورت مرکز بزرگ اقتصادی در مناطق شمالی اورارتو درآمد. از تاخت و تازهای روسای دوم مخصوصاً حمله او به مناطق شرقی آسیای صغیر، به سرزمین ختیا، قابل توجه است که آخرین نمایش قدرت جنگی اورارتو بود.

در دهه‌های آتی، دیگر هیچ مطلبی در مورد عملیات جنگی اورارتو در منابع ذکر نشده است. از لوحها و مهرهای پادشاهی پیدا شده در توپرافکاله و کارمیربلور چنین برمی‌آید که بعد از ساردوری سوم چند پادشاه دیگر به نامهای ساردوری، اربمنا^{۱۹} و روسا سلطنت کرده‌اند. لیکن کارهای اینها، فقط در دو منطقه از قلمرو وسیع قبلی محدود می‌شود؛ منطقه مرکزی در وان

17- Teysheba- ini

19- Erimena

۱۸- یا تپه سرخ - م.

یعنی بیابانی اصلی و در دشت آرارات، سرزمین آزا. این وضعیت احتضاری تا اول قرن بعد، سالهای ۵۸۰-۵۹۰ ق. م. یعنی وقتی که اورارتو بطور قطع از صحنه تاریخ خارج می‌گردد، دوام یافت.

چنان که در بالا دیدیم از زمانهای قدیم در فلات ارمنستان فعالیت انسان مشهود بوده، بدون انقطاع تا عصر مفرغ ادامه می‌یابد، و آثار تاریخی مربوط به ساکنین ارمنستان حفظ شده‌است. با این وجود تا دوران اورارتو که مصادف با توسعه کاربرد آهن می‌باشد، توام با "عصر آهن" در ترقی نیروهای تولیدی ساکنین فلات یک تحول بشمار می‌رود.

در وهله اول باید سیستم توسعه یافته آبیاری و کانالسازی را ذکر کرد، که باعث توسعه کلیه رشته‌های کشاورزی و مخصوصاً باغداری گردید. دامداری هم رشد کرده بود، که در این مورد نیز نوشته‌ها و داده‌های متعددی نگهداری شده‌اند.

حرفه‌ها به سطح عالی ترقی می‌رسند. اشیاء بدست آمده از حفاری‌های توپراق - کاله، تپه کارمیربلور، آراین برد^{۲۰}، آرمایر، آلتین - تپه و مناطق دیگر مسکونی اورارتو، نشاندهنده نمونه‌های برونزی، آهنی، طلائی، نقره‌ای، انواع مختلف سنگی، استخوانی، شاخ حیوانات و اشیاء دیگر می‌باشند، همچنین پشم، وش، پوست و انواع دیگر اشیاء رزمی، زندگی و تزئینات می‌باشد. رشد شتابانی که شهرسازی و معماری در عصر اورارتو داشت پدید آورده جدیدی در فلات بود. در کتیبه‌هایی که به ما رسیده‌اند اطلاعاتی در زمینه بنای دهها شهر و دژ آمده است. قسمت اعظم اینها با اسامیشان برای ما معلوم هستند ولی چند تا از آنها فعلاً^{۲۱} مورد مطالعه باستانشناسان می‌باشند. ساختن دژها و بخصوص شهرهای قلعه‌ای رواج بسیار داشت. اینها شامل دژها و قلعه‌های مرکزی مستحکم با ۲ تا ۳ ردیف حصار بودند که روی تپه‌های

20- Arinberd

خصوصی بنا می‌شدند و این دژهای مرکزی دارای مساحتی برابر با ۴ تا ۶ هکتار بودند و در اطراف اینها شهرهای حصار دار با مساحت دهها و گاهی صدها هکتار بنا می‌شدند. قسمت شهری شامل کوچه‌های موازی بود. استاندار با ماموران، خدمه و سپاهش در دژ زندگی می‌کرد. طبقه بندی اجتماعی ساکنین شهر انعکاس خود را در ساختمان خانه‌ها و مساکن و در درجه تسهیلات، شکوه و عظمت آنها باقی گذاشته است. در اینجا تفاوت بین خانه‌های محقرو اقامتگاه‌های شخصی یا مساکن باشکوه بسیار زیاد بود.

مصالح ساختمانی را سنگ، خاک رس و چوب تشکیل می‌داد. پی سنگی که روی قسمت‌های سنگی زمین گذاشته می‌شد تا دو متر و بیشتر ارتفاع داشت که روی آن خشت‌های رسی مخلوط با گاه، چیده می‌شد. سقفها با تنه درختان درست می‌گردیدند. سنگهای تراشیده شده به مقیاس وسیع در ساختن برجها، حصارها و به ویژه معابد بکار می‌رفتند.

چند نوع از معبد‌های دوران اورارتو مشهور هستند. یکی معبد معروف موساسیر است که متعلق به قرن ۹ ق. م. می‌باشد و دارای تصاویر کشیده شده توسط یک نقاش آشوری، سقفهای دو قسمتی و فرونتون^{۲۱} مثلثی شکل با تزئین برگمانند شبیه نوک پیکان، شش ستون که فرونتون را نگه می‌دارند بوده و سرای داخلی ایوان مرتفع می‌باشد، برای ما معلوم هستند. تصاویر کشیده شده توسط نقاش آشوری فرم آتی معابد یونانی را در ذهن انسان متجلی می‌سازند. نوع دیگر معبدها، "دارباس"ها یا معابد خدایان و به ویژه خدای خالدی می‌باشند که اکثر آنها در صخره‌ها و سنگهای بزرگ بنا می‌شدند و گاهی دارای سنگ نوشته نیز بودند. بالاخره معابد برج مانندی وجود داشتند که در بین ساختمان‌های دیگر بنا می‌شدند و قسمت مقدسین در داخل آنها قرار داشت.

دیوارهای داخلی ساختمان‌های معابد و قصرها با تصاویر رنگارنگ پوشیده

شده بود که از اینها چند نمونه در آرین - برد نگهداری شده است. در داخل آنها شکل خدایان، حیوانات مقدس، تصاویر دنیوی و مذهبی با تزئینات هندسی شکل و گیاهی ترسیم و نقاشی می‌شدند.

هنر تصویری نیز به سطح عالی رسیده بود. کتیبه تاریخی که فهرست جزء به جزء اشیاء و غنایم جنگی را که سارگن دوم در موساسیر بدست آورده است، نشان می‌دهد، تا اندازه‌ای مرقی بود. تصاویر خدای تیشبا بر روی سنگهای معبد در آدیله‌جواز^{۲۲} از نمونه‌های بارز می‌باشد. اکثراً مجسمه‌های خدایان و نیمه انسان نما و مجسمه‌های کوچک که بیشتر فلزی هستند (همچنین از سنگ و شاخ حیوانات) حفظ شده‌اند که قسمتی از آنها به منظور استفا ده بودند. زرها، کلاه‌خودها، سپرها و نیز ترکش‌ها، برونزی بوده با تصاویر تزئین می‌شدند. در اینجا پیکر ارباب‌های جنگی و سوارها، شیرها و گاوها و مفا دیده می‌شوند.

فرهنگ اورارتو نه تنها با فرهنگ آشور، بلکه با هنر اتروسک و یونانی و نیز پریوگیا در ارتباط بود. همچنین ارتباطهایی با فرهنگ اسکیتها مشاهده می‌شود. بغیر از آن، مشاهده اشیاء خارجی و بیگانه در محل حفاری‌های اورارتو و همچنین وجود اشیاء اورارتو در کشورهای دور حاکی از ارتباط آنها، و مساببات تجاری بین آنها می‌باشد.

برای بحث در مورد فرهنگ معنوی اورارتو اول باید به زبان اورارتو و کتابت آن اشاره نمود. زبان آنها چه از نظر دستوری و چه از نظر ذخیره لغات با زبان خورری هم گروه می‌باشد. احتمالاً این دو زبان در هزاره سوم ق. م. دو لهجه مربوط به یک زبان بوده‌اند و بعدها از هم جدا گردیده و تبدیل به دو زبان مستقل شده‌اند. ذخیره کلماتی که از زبان اورارتو بر ما روشن است، به علت یک نواخت بودن نمونه‌های موجود در کتیبه‌ها حدوداً کم می‌باشد.

خط میخی یعنی کتابت اورارتو، از خط میخی اکدی (آشور - بابل) مشتق شده است و با وجود دارا بودن تمام خطوط اصلی آن، فقط ساده گردیده است. متن‌های کتیبه‌ای که به ما رسیده‌اند اکثراً گزارشهایی از فتوحات پادشاهان و موفقیت‌های جنگی آنها بوده و به شیوه یکنواخت و ساده نوشته شده‌اند و نوشته‌های مذهبی و مربوط به آبادانی و عمران نیز به همان اندازه ساده می‌باشند. تخته سنگهای رسی حاوی خط میخی شامل نامه‌ها، فرمانها و حسابهای رسمی می‌باشند.

در مورد مذهب اورارتو اطلاعاتی در لوحه " معبد مهر " که به نام ایشیونینی و مینوا دروان نوشته شده است، بدست می‌آوریم. در اینجا خدایان پانتئون اورارتو بر شمرده شده‌اند و تعداد گاوهای نر و ماده و گوسفندان قابل قربانی برای هر یک از آنها مشخص می‌شوند. خدای خالدی اولین مقام را در پانتئون داراست که در اکثر سنگ نوشته‌های اورارتو نام او بعنوان خدای حامی پادشاه ذکر می‌شود. مقامهای دوم و سوم متعلق به تیشبا، خدای جنگ، و شیونینی^{۲۳} خدای آفتاب هستند. به دنبال تثلیث بزرگ، از دهها خدا نام برده می‌شود که خدایان کشورها، اقوام و شهرهای ملحق شده به اورارتو در شمار آنها می‌باشند.

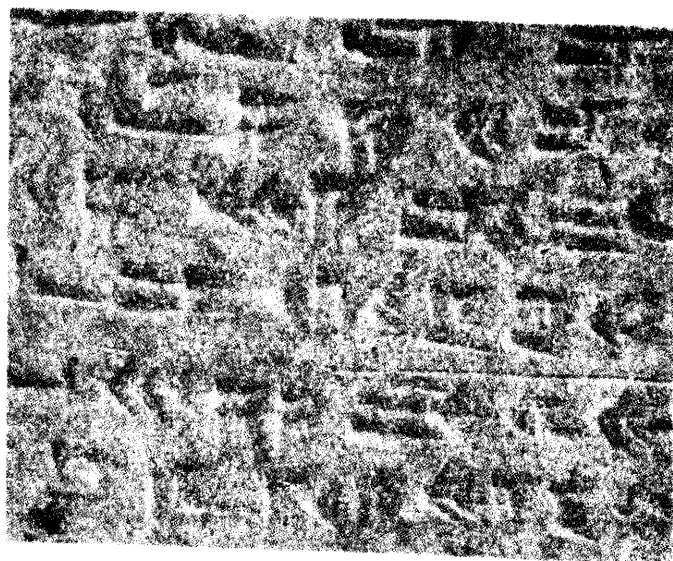
بدون شک اورارتویی‌ها دارای میتولوژی منحصر بفرد و غنی بوده‌اند. در این مورد مثلاً وجود خدایان دریاچه‌ها، کوهها و رودها در پانتئون گواه بر این نظر می‌باشند. آنها ویژگی‌های مختلف خدای خالدی، عظمت، قدرت، بزرگی و نیکی او را می‌پرستیدند. باید توجه کرد که نمونه‌های افسانه‌ای و میتولوژی اورارتو را می‌توان در بطن فرهنگ کهن ارمنی پیدا نمود.

ترقی اجتماعی اورارتو، در جریان موجودیت سیمصد ساله آن با وجود کسب موفقیتهایی در زمینه‌های مختلف، از سطح اتحاد جنگی - اداری جماعتی قومی گوناگون بالاتر نرفت در شرایط بحرانی حکومت آنها، تلاطم سیاسی که



در آسیای مقدم در قرنهای ۶-۷ ق م. بوجود آمده و عامل موثر آن سرزمین قوی و متمایل به جهانگیری ماد بود، نقش ویران کننده‌ای را می‌توانست بازی کند. با وجود این، باعث اصلی تزلزل و ضعف حکومت اورارتو در داخل فلات قرار داشت و آن توسعه و پیشرفت اقوام ارمنی زبان در جنوب شرقی فلات بود که از یک قرن پیش در آنجا مرحله توسعه، ترقی و استحکام خود را می‌گذراندند.

کنده‌کاری مربوط به دوران اورارتو (بازسازی شده)



از سندهای میخی دیوان تیشائینی (تپه کارمیر)

فصل دوم

منشاء و تشکیل ملت ارمنی

۱- منشاء ملت ارمنی

ملت ارمنی از ادغام تدریجی قومها و ملل ساکن در فلات ارمنستان بوجود آمده است. در این پروسه طولانی تاریخی، ملل و اقوام شرکت کننده در بوجود آمدن ملت ارمنی بطور کلی یا جزئی ویژگیهای انسانشناسی، سنن، فرهنگ مادی و معنوی، قسمتی از ثروت کلمات زبانهای مختلف را داده‌اند که بعدها در تصویر فیزیکی، فرهنگ و زبان ملت ارمنی مشهود می‌گردند. مخصوصاً تاثیر اقوام خورری - اورارتو^۱ چشمگیر است که در فلات ارمنستان بخش شده بودند، بنابراین هسته مرکزی تشکیل ملت ارمنی را هم بوجود آوردند. لیکن تاثیر عنصر خت - لوویا^۲ کم نیست. قومهای هایاسا نام خود را به ملت ارمنی داده‌اند که این نامگذاری از سوی خود ارامنه می‌باشد.

۱- یا هوری - اورارتو - م .

۲- یا هت - لوویا - م .

اتحاد پیش می‌رفت، بوقوع پیوست.

۶۰-۷۰ سال پس از انقراض اورارتو، در سال ۵۲۰ ق. م. در نمونه پارسی و عیلامی کتیبه مشهور و سه زبانه داریوش و یشتاسب در بیستون که از وقایع پانزده صحت می‌کرد، از سرزمین آرمینا یاد می‌شود، ولی در نمونه اکدی مترادف اینها اسم اورارتوی قدیم بکار رفته است (بفرم "اوراشتو" و طبق قوانین همان لهجه زبان اکدی بابلی). بنابراین اورارتو اکنون تبدیل به آرمینا شده است. و اگر قبلاً "آرمه" (یا اورمه) فقط برای قسمت کوچکی از شوبریا بکار می‌رفت، حالا آرمینا (که همان آرمه با پسوند -نا - می‌باشد) بعنوان تمام اورارتو بکار می‌رود.

بدین ترتیب حکومت قدیم ارمنی در همین سنگ نوشته ظاهر می‌شود. تحت نام آرمینا، در سالهای ۵۲۰ ق. م. چنین حکومتی وجود داشته است ولی نه اینکه در همان زمان تاسیس شده، بلکه ۶۰-۷۰ سال قبل جانشین حکومت منقرض شده اورارتو گردیده است، زیرا قسمت اعظم وسعت این سرزمین دهها قبل در جریان تشکیل مردم ارمنی در دست آنها قرار داشت.

این پادشاهی بسیار قدیمی آرامنه، بعنوان هم‌پیمان ماد ظاهر می‌شود ولی این وضع دیری نمی‌پاید. ماد در صدد تصرف باقی مانده اورارتو برمی‌آید. برخورد رزمی به سود ماد تمام می‌شود و گرچه حکومت جدید بصورت پادشاهی حفظ می‌شود لیکن در زیر یوغ ماد مجبور به دادن خراج، سپاه کمکی شده و فاقد قلعه‌های نظامی می‌گردد.

مرزهای پادشاهی ارمنی در جنوب شرق با ماد و در شمال غربی با مناطق مسکونی خالدها در تماس بود.

این اطلاعات را توسط کتاب تاریخی - تریبیتی "کوروش نامه" نوشته گزنفون مورخ یونانی در آخر قرن پنجم و اول قرن ۴ ق. م. بدست آورده‌ایم. از این کتاب معلوم می‌شود، که پادشاهی ارمنستان آنقدر قوی بوده است که پس از چندی خراج را قطع کرده و از انجام تعهدات دیگر سرباز می‌زنند.

این حکومت دارای ۴۰۰۰۰ سرباز پیاده و ۸۰۰۰ سواره نظام و ثروت هنگفتی بود. نام پادشاه ارمنی ذکر نمی‌شود ولی نام فرزندانش، تیگران و ساباریس (و نیز نام یک سردار ارمنی، امباس) یاد شده، و از تیگران بعنوان دوست کوروش موسس سلسله هخامنشی ذکر می‌گردد.

اینکه این اطلاعات پایه و اساس تاریخی دار دیانیه، در یک روایت محفوظ در کتاب "تاریخ" اثر خورناتسی معلوم می‌شود که قهرمان آن تیگران، باز هم بصورت دوست کوروش ظاهر می‌گردد. همچنین به نام پادشاه ارمنستان و پدر تیگران، یعنی پرواند ساکاو اکیاتس پی می‌بریم.

چنانکه مشهود است، کوروش هخامنشی در ۵۵۰ ق. م. حکومت ماد را از بین برده و به جای آن حکومتی قوی‌تر برپا می‌سازد که تمام آسیای مقدم را دربرمی‌گیرد و کامبیز جانشین و فرزند او به مصر حمله می‌کند، لیکن در آنجا بهلاکت می‌رسد. در جنگی که برای بدست آوردن حکومت بین خاندان او درگرفت داریوش و یشتاسب بر رقیب پیروز شد. ارمنستان که در زمان کوروش بایستی جزء حکومت او درآمده باشد، بعنوان یک پادشاهی نیمه مستقل در هنگام کسب قدرت داریوش به همراه سایر کشورهای تحت تسلط هخامنشیان شورش می‌کند.

در ۵۲۲-۵۲۰ ق. م. داریوش اقدام به سرکوبی شورش و اتحاد مجدد حکومت می‌کند، شرح و مدح این کارهای او در کتیبه بیستون فوق الذکر آمده است. داریوش دو سپاه بزرگ از دو جهت برای مقابله با آرمینا یعنی ارمنستان شورشی می‌فرستد. یکی از سپاهها را دادارشیش ارمنی (اهل آرمینا) و دیگری را واهومیسای پارسی رهبری می‌نمود. اولی سه ولی دومی دوبرخورد با آرامنه شورشی داشته‌اند تا اینکه موفق می‌شوند آنها را تحت سلطه درآورند. ارمنستان استقلال خود را از دست می‌دهد و در ردیف ساتراپ نشینهای حکومت هخامنشی درمی‌آید.

این وضعیت تا دو قرن ادامه می‌یابد. مطابق منابع یونانی ارمنستان به دو ساتراپ نشین مختلف تقسیم شده بود. لیکن در منابع پارسی، در سنگ

نوشته‌های پادشاهان هخامنشی بصورت یک کشور واحد از آن یاد می‌شود. ارمنستان به اندازه کافی خراج زیادی به پادشاه پارسی بصورت طلا و اسب و شرکت سپاه او در تاخت و تازهای پادشاهان هخامنشی پرداخته بود. بدین ترتیب در حمله خشایارشا به یونان در ۴۸۰ ق. م. سپاهیان ارمنی نیز وجود داشتند.

حکام - ساتراپ‌های پارسی ارمنستان از یک خاندان بوده‌اند که اکثر آنها نام یرواند داشته‌اند. محتمل است که اینها اولاد خاندانهای پادشاهی بسیار قدیم ارمنستان بوده باشند که یکی از موسسین آن، چنانکه ذکر شد، یرواند نام داشته است.

در سال ۴۰۱ ق. م. کوروش کهتر برادر خشایارشای دوم همراه سپاه ده هزار نفری یونانی بر علیه برادرش قیام کرد و پس از شکست کوروش و کشته شدن او، این سپاه از بین‌النهرین بطرف دریای سیاه عقب نشینی کرده و در سر راه از جنوب تا شمال غربی ارمنستان را طی نمود. در همین سپاه گزنفون نویسنده، تاریخ‌نویس و سردار یونانی که در فوق از او یاد شد شرکت داشت. او نظریاتش را در کتاب "آناباسیس" که یک منبع پرارزش برای چند کشور شرق و بخصوص تاریخ ارمنستان می‌باشد، آورده است.

حاکم ارمنستان در این هنگام یرواند (اورونداس) فرزند آرتاسورا بود. او با هرودوت گونی، دختر پادشاه هخامنشی، ازدواج کرده و دارای مقام عالی در دربار آنها بود. او یکی از خویشاوندان معروفترین خاندانهای پارس یعنی هیودانیان‌ها بود که جد آنها در دوران قبل در تصرف حکومت به داریوش کمک نموده بود. قسمتی از ارمنستان تحت عنوان "ارمنستان غربی" توسط تیریبازی اداره می‌شد که عضو موثری در دربار بود و مقام گرفتن رکاب شاه را داشت. مرزهای ارمنستان در این دوران همان مرزهای دوران اورارتو

شرکت ساکنین فلات ارمنستان در تشکیل ملت ارمنی، عمیقتر شده، لیکن، به نتیجه نهایی نرسیده بود. هنوز از اقوامی چون، ماردها، پاسیانها، ساسپیرها^۸ داوخها^۹، خالدایها و غیره یاد می‌شد، که در دوران بعد عنصر تشکیل دهنده مردم ارمنی واقع گردیدند و نام قومی خود را روی مناطقی مختلف ارمنستان گذاشتند، چون، مازاداغ، ماردستان، باسیان، اسپر، تایک، خاغتیک و غیره. قسمتی از این اقوام با شاخه‌های شمالی خود در تشکیل ملت گرجی شرکت نموده است.

سپاهیان یونانی در ضمن عبور از ارمنستان به شهرها، دژها و معابد برنخورده‌اند. محتمل است، که یونانیها به سادگی آنها را دور زده، از برخوردهای دیگر احتراز نموده‌اند و آذوقه خود را از دهات سر راه تهیه کرده‌اند که این موضوع مورد توجه گزنفون قرار گرفته است. او خانه و زندگی در دهات را تشریح کرده است. موارد تشریح شده توسط گزنفون دارای تمام ویژگی‌های جامعه روستایی است.

بعدها امتیاز اداره ارمنستان از خاندان یرواندیان موقتا"



یکی از نمایندگان خاندان یرواندونی (از کنده‌کاری‌های مرتفع کوه نمرت)